

تاریکخانه‌های اقتصادی

و پول‌های سیاه

بهروز تصدیقی^۱

چکیده

این مقاله می‌کوشد ویژگی‌ها و طبیعت پول‌های سیاه و نیز بازتاب‌های مخرب ناشی از فرایند پولشویی را تبیین کند. مجرمان از نهادها و بازارهای مالی، فناوری‌های نوین، روابط رو به گسترش جهانی، خرده‌فروشی‌ها، تأسیس شرکت‌های صوری، ساختارهای غیرشفاف کشورهای در حال توسعه، دادوستد اوراق بی‌نام، جواهرات، حیوانات کمیاب، مالکیت معنوی و نظایر آن استفاده مؤثری برای پولشویی می‌برند. پولشویی به دلیل آثار زیانبار و عوارض منفی آن همچون اختلال در بازارها و تخصیص منابع، ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی، کاهش اثربخشی سیاست‌های دولت، افزایش هزینه‌های دولتی و تأمین منابع مالی فعالیت‌های مجرمانه، جرمی مستقل به حساب می‌آید و مقابله با آن سبب پیشگیری از جرم نیز می‌شود. این مقاله به ضرورت تصویب قانون مبارزه با پولشویی، به عنوان یکی از ابزارهای امنیت اقتصادی، تصریح و تأکید دارد که نگاه به مقوله مبارزه با پولشویی، باید

۱. پژوهشگر دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

نگاهی اقتصادی (ونه صرفاً پلیسی) باشد و برای احتراز از بی‌اطمینانی و اختلال در گردش سرمایه‌ها، بایستی قوانین، آیین‌نامه‌ها و سازوکارهای اجرایی با دقت مورد بررسی قرار گیرد.

مقدمه

برای بسیاری از کشورهای جهان، مبارزه با پولشویی یک واقعیت شناخته شده است، اینک مساعی این کشورها عمدتاً حول نحوه تعامل و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای پیشگیری، کنترل، کشف و مبارزه با پولشویی متمرکز شده است. حتی نهادهایی مانند پلیس بین‌الملل (اینترپل)، در ساختارهای تشکیلاتی خود، وظایف جدیدی برای این فرایند (پیشگیری، کنترل، کشف و مبارزه) و نحوه همگرایی با جامعه بین‌الملل پلیسی، تدوین و نهادسازی کرده‌اند.

همچنین نظام‌های بانکی کشورهای که از آثار ویرانگر اقتصادی پولشویی آگاهی کامل داشته و مدت‌هاست برای مبارزه با پولشویی، به مهندسی مجدد ساختارهای خود (در زمینه عملیات بانکی و نهادهای مالی) پرداخته‌اند، اینک به رمز و راز حساب‌های نیرنگ آمیز (که سال‌ها تا قبل از قوانین مبارزه با پولشویی از آن غافل بودند) پی برده‌اند.

هم اکنون کشورهای جهان با تشکیل همایش‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی، سعی دارند تا از طریق تبادل تجربیات خود، دو مقوله مهم را بازکاوی کنند: اول امکان‌سنجی نظام‌های غیررسمی انتقال اموال و دوم تلاش در جهت طراحی یک الگوی امنیت مالی. ساده‌انگاری است اگر پول‌شویان را افرادی حقیر، کم‌سواد یا بی‌سواد یا اصولاً افراد فرودست تلقی کنیم. بیش‌تر آنان از طبقات مرفه و فرادست جوامع خود هستند و در سطح بین‌الملل نیز در نزد هم‌تایان خود از اعتبار خاصی (که در بین خودشان شناخته شده است) برخوردارند. پول‌شویان از مشاوران و کارشناسان خبره‌ای برخوردارند که در سازمان و تشکیلات آنان با تولید فکر و اندیشه و ارائه راهکارهای لازم، به کارفرمایان خود خدمت‌رسانی می‌کنند. این فن‌سالاران یا تکنوکرات‌ها به نحوه بهره‌برداری از تحولات نوین فناوری‌های اطلاعاتی (نظیر اینترنت یا شیوه‌های جدید تجارت الکترونیکی) کاملاً مسلط هستند. وب سایت‌ها نیز

از این بهره‌برداری (سوءاستفاده) در امان نیستند. پول‌شویان با استفاده از این تحولات علمی - کاربردی به مبادله مالی با یکدیگر می‌پردازند و طرح‌های یکدیگر را تأمین مالی می‌کنند. تصور می‌شود زمان آن فرا رسیده که جای پای نظام‌های امنیتی، انتظامی و اطلاعاتی کشورها به قلمرو این حیطه‌های فناوری باز شود و در چارچوب تجویزهای قانونی بتوانند پیام‌های اینترنتی یا وب سایت‌های پول‌شویان را رمزبازی و فیلترگذاری کنند. در بخش دوم مقاله، پول‌های سیاه و سازوکارهایی که پول‌شویان برای مشروعیت بخشیدن به آن‌ها مورد استفاده قرار می‌دهند، تشریح می‌شود. در بخش سوم به تشریح آثار مخرب فرایند پولشویی پرداخته و در بخش چهارم از مباحث مذکور نتیجه‌گیری می‌شود.

۱. باز کاوی و کالبدشکافی پولشویی

۱-۱. پول‌های سیاه

امروزه تصور می‌شود که مفهوم پولشویی در اقتصاد همه کشورهای جهان، مفهومی کاملاً شناخته شده باشد. عمل پولشویی نه تنها از ابعاد اقتصادی، بلکه فراتر از آن از منظر سیاسی و روابط خارجی نیز چنان حساسیتی یافته که برخی از دولت‌ها، دیگر دولت‌ها را با اتهام پولشویی مورد هدف قرار می‌دهند و این‌گونه کشورها را که فاقد قوانین نظارتی، بازدارنده و مقابله‌کننده با پولشویی هستند، به حمایت از پدیده پولشویی متهم می‌سازند.

فعل پولشویی، در حقیقت به فرایندی پنهانی اطلاق می‌شود که از طریق آن، درآمدهای حاصل از هرگونه فعالیت‌های غیرقانونی و عملیات نامشروع، به جریانی از دارایی‌های ملمس به ظواهر مشروع و قانونی مبدل می‌شود، به گونه‌ای که گویا درآمدها و دارایی‌های مزبور از منبع مشروعی برخوردارند.

این درآمدها و دارایی‌ها، قاعدتاً از تمامی زمینه‌های مجرمانه و غیرقانونی تحصیل شده‌اند، نظیر ثروت‌های ناشی از قاچاق انواع مواد مخدر، قاچاق کالا و ارز، قاچاق کالاهای گرانبهایی که به عنوان میراث‌های فرهنگی، تاریخی و هنری مشهورند، قاچاق سنگ‌ها و فلزات گرانبها (طلا و جواهر)، قاچاق اسلحه، قاچاق دارو و قاچاق انسان، شبکه‌های فحشا و سایر مفاسد اخلاقی، نظیر قمارخانه‌ها و مشروبات الکلی، آدم‌ربایی و

گروگان‌گیری، جاسوسی، فعالیت‌های تروریستی، ثروت‌های ناشی از توزیع کالاها، تقلبی و فاسد، فعالیت‌های ناشی از سوءاستفاده و خیانت در امانت، ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، اختلاس، ارتشاء، ربایش خدعه‌آمیز، سرقت، معاملات متکی بر اطلاعات محرمانه و نهانی، بهره‌مند شدن از تسهیلات و منابع مالی بانک‌ها از مجراهایی غیر از اهداف و توجیهاتی که براساس آن اهداف، تسهیلات بانکی ارائه شده است، ثروت‌های ناشی از گرفتن حق دلالی کلان محرمانه و غیرقانونی داخلی و خارجی در خریدهای داخلی و بین‌المللی، تبانی در معاملات، مناقصه‌ها، مزایده‌ها و دادوستدهای دولتی و غیردولتی، فرارهای مالیاتی، جرائم مربوط به حوزه‌های فناوری نوین، جرائم اینترنتی، سرقت‌های مسلحانه، اخاذی و ...

نباید تصور کرد که پولشویی، پدیده‌ای متعلق به دو دهه اخیر است. ریشه‌های تاریخی و شناخته شده آن را می‌توان تا دهه‌های چهل قرن بیستم نیز دنبال کرد. در واقع، آغاز پولشویی را می‌توان به دوران اوج فعالیت‌های گانگستری در آمریکا منتسب کرد که مشخص‌ترین چهره آن شبکه وسیعی بود که آل‌کاپون رهبری آن را برعهده داشت. آنان درآمدهای هنگفت ناشی از قمارخانه‌های بزرگ و متعدد سراسر ایالات آمریکا و همچنین قاچاق اسلحه، مواد مخدر، اخاذی، عملیات تروریستی، گروگان‌گیری و نظایر آن را در تأسیس چندین رختشوی‌خانه بسیار بزرگ در چند شهر ایالات متحده سرمایه‌گذاری می‌کردند، تا بدین ترتیب منشأ تحصیل درآمدهای خود را تغییر هویت دهند. سپس درآمدهای حاصل از رختشوی‌خانه‌ها را با عناوین سپرده‌گذاری، سرمایه‌گذاری یا خرید و فروش اوراق بهادار وارد چرخه عظیم بازارها یا نهادهای رسمی مالی نظیر بانک‌ها می‌کردند و منافع حاصل را از آن‌جا به سمت بازارها یا نهادهای مالی دیگر سوق می‌دادند. بدین ترتیب، رد پول‌های غیرقانونی مزبور مخفی و گم می‌گردید و طبعاً اسناد و مدارکی نیز برای مصادره قضایی دارایی‌های مزبور میسر نمی‌شد.

در این میان، برخی از نظریه‌ها، ریشه‌های مفهوم پولشویی را به دوران عملیات گانگستری دهه ۱۹۳۰ ارتباط نداده‌اند و معتقدند این مفهوم با افشا شدن جریان تاریخی معروف به واترگیت در سال ۱۹۷۳، در عرصه مبانی نظری و منابع نوشتاری اقتصادی و

حقوقی راه پیدا کرد و چند سالی طول کشید تا با شناخت بیش‌تر مصادیق آن به شکل تمهیدات حقوقی و قانونی تدوین شود و به تصویب کنگره امریکا برسد. مبارزه با پولشویی، به صورت مفهومی شناخته شده‌تر، به مرور به سایر نقاط جهان نیز تسری یافت.

در حقیقت، شبکه‌های سازمان‌یافته پولشویی، دارایی‌های خود را در مسیر یا مسیرهایی قرار می‌دهند که اولاً منشأ کسب این درآمدها را مخفی کنند و ثانیاً ردگیری آن را غیرممکن سازند. طبیعی است که تمام هدف آن‌ها از انجام دادن این کار، چاره‌جویی برای عدم امکان پیگیری‌های قضایی و فرار از مجازات‌های جزایی و سرانجام، حفظ و افزایش ثروت و دارایی‌های خود است.

بعد از عملیات مشهور به ۱۱ سپتامبر، حساسیت‌های بین‌المللی برای مقابله سخت‌افزاری و نرم‌افزاری با پدیده پول‌های سیاه بیش‌تر شد، به گونه‌ای که اتفاق نظر گسترده‌ای میان دولت‌ها برای مقابله با پولشویی به وجود آمد. این دولت‌ها به کشورهای مظنون بودند که دالان‌های مخفیانه تبادل‌ها و استحاله‌های مبالغ عظیم این نوع پول‌ها و دارایی‌ها به شمار می‌رفتند و به همین دلیل آن‌ها را به عنوان تاریکخانه‌های اقتصادی نامگذاری کردند. این کشورها با اتخاذ ساز و کارهای مورد نیاز و تمهیدات قانونی، در حال مبارزه با پولشویی هستند و معتقدند کشورهایی که فاقد استانداردهای انضباطی در مورد گردش جریان وجوه مالی‌اند، بهترین گذرگاه تاریکخانه‌های اقتصادی محسوب می‌شوند و لذا با اعمال فشار بر این گونه کشورها، انتظار دارند تا آن‌ها نیز به تدوین استانداردهای شفافیت در جریان وجوه بازارها و نهادهای مالی خود بپردازند.

۲-۱. دهلیزهای لانه‌گزینی و استحاله دارایی‌های غیرقانونی

حال سؤال این است که این وجوه عظیم مالی برخوردار از منشأ غیرقانونی، کدام مسیرها، دالان‌های زیرزمینی و ایستگاه‌ها را طی می‌کنند؟ هرچند در این خصوص قطعاً نمی‌توان تمام دهلیزها و گذرگاه‌های مورد استفاده پول‌شویان را بدون هیچ گونه کم و کاستی ذکر کرد، اما عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. نخستین و به اصطلاح دم دست ترین ابزار پول‌شویان، استفاده از نهادهای مالی رسمی است. در این مرحله وجوه نقد حاصل از عملیات مجرمانه، نزد نظام بانکی یا هر نوع نهاد مالی و اعتباری رسمی سپرده‌گذاری می‌شود. این نهادهای مالی رسمی ممکن است داخلی یا خارجی باشند. استفاده از روش‌های معمول در دادوستد الکترونیکی، یکی از بهترین شیوه‌های انتقال این سپرده‌ها از نهادهای مالی داخلی به نهادهای مالی خارجی است که بدین ترتیب تشخیص درآمدهای نامشروع بسیار دشوار می‌گردد.

۲. فرایند دیگر، استفاده از بازارهای مالی است که رشد حیرت‌انگیز آن‌ها نیز کمک فراوانی به این امر می‌کند. کثرت واسطه‌ها، ابزارها و ساختارهای مالی متعدد که به سرعت در هم ادغام یا از هم تجزیه و مجدداً در نهادهای دیگری تجمع می‌شوند، امکان کنترل و نظارت بر مسیر حرکت و ردگیری عملیات پولشویی را مشکل‌آفرین کرده است.

۳. فرایند پیچیده‌تر دیگر، پیشرفت‌های شگفت‌انگیز استفاده از فناوری‌های نوین مخابراتی و رایانه‌ای در زمینه فعل و انفعالات مالی و به کارگیری ابزارها و شیوه‌های نوین تجارت الکترونیکی است که سبب می‌شود نه تنها هویت مبادله‌کنندگان بلکه ردگیری جریان وجوه نیز با دشواری‌های خاصی همراه باشد.

برخی از برآوردهای مقدماتی منتشر شده حاکی از آن است که روزانه به طور متوسط در جهان حجمی معادل یک هزار میلیارد دلار منحصرأ از طریق دادوستدهای الکترونیکی جابه‌جا می‌شود. طبیعی است که در چنین حجمی از تبادل وجوه و جریان‌های مالی، امکان تشخیص اصالت پول‌های قانونی و تمیز از پول‌های سیاه، کاری بس بفرنج است. پس بی‌دلیل نیست که یکی از ویژگی‌های پولشویی را قابلیت استفاده از تحولات حادث شده در فناوری‌های نوین (و فرایند تخصصی پیچیده‌ای که در این نوع دادوستدهای الکترونیکی وجود دارد) می‌دانند.

۴. جهانی شدن نیز یکی از مؤلفه‌هایی است که به لحاظ امکان فراهم آوردن بازارهای مالی جهانی و فراملیتی، تبادل وجوه و اوراق بهادار را با سهولت بیش‌تری امکان‌پذیر ساخته و در مقابل کشف و تعیین مسیر حرکت پول را دشوارتر کرده است.

پولشویی اصولاً دارای یک ویژگی فرامیلتی است و به همین دلیل کاملاً خزنده و سیال است. پس به طور طبیعی برای برخورد با آن هم باید از ویژگی خاص خودش (یعنی فرامیلتی) بهره‌گیری کرد؛ به بیان دیگر، بدون تشریک مساعی در تعامل‌های جهانی و بین‌المللی نمی‌توان با این پدیده مبارزه کرد.

۵. سرمایه‌گذاری در جواهرات و سنگ‌های قیمتی نیز یکی از روش‌هایی است که پول‌شویان مورد استفاده قرار می‌دهند. پول‌شویان، پول ناشی از اعمال خلاف را در بازارهای داخلی به طلا، الماس و مانند آن تبدیل می‌کنند. سپس این کالاها را به خارج می‌برند و می‌فروشند و درآمد ناشی از آن را به ارز خارجی تبدیل می‌کنند. آنان با استفاده از این روش می‌توانند پول‌ها را در بانک‌های همان کشورها سپرده‌گذاری یا در مزایده‌های اجناس گران قیمت شرکت کنند و به علت نامشخص بودن نام بیش‌تر خریداران، بدون اطلاع مقامات رسمی، به تطهیر این پول‌ها بپردازند.

۶. خرید املاک و مستغلات و سرقتی نیز در زمره شیوه‌های پولشویی غیر از سپرده‌گذاری در نهادهای مالی است.

۷. بی‌تردید فعالیت‌های چند صد شرکت خرد و کلان سرمایه‌گذاری که در بازارهای سرمایه (به‌عنوان بخشی از بازارهای مالی ایران) فعالیت می‌کنند و وجود بیش از هزاران صندوق اعتباری، صندوق قرض‌الحسنه و خیریه و نظایر آن برای پول‌شویان، ابزارهای مناسبی (درجهت مشروعیت بخشیدن به منشأ مالکیت پول‌های سیاه خود) محسوب می‌شوند؛ زیرا این صندوق‌ها همیشه نیازمند تأمین منابع مالی هستند و اعطاکنندگان این نوع تسهیلات را (حتی بدون آن‌که بدانند پول‌های آنان سیاه است) افراد خیر و نیکوکار تلقی می‌کنند.

۸. ایجاد صورت‌حساب‌های نادرست، ساختگی و صوری، به ویژه در نظام بانکی، و همچنین ایجاد شرکت‌های صوری در داخل و خارج از کشور، از دیگر شیوه‌های توسل به پولشویی است.

۹. پول‌شویان با دارا بودن مبالغ هنگفتی از پول‌های سیاه در مواردی نیز با ترفندهای خاص به لایه‌های قدرت‌های اقتصادی و سیاسی نفوذ می‌کنند و با سوءاستفاده از اعتبار

شخصیت‌های صاحب نام و کاملاً شناخته شده به تأسیس شرکت‌های سرمایه‌گذاری و تولیدی اقدام می‌ورزند و به این ترتیب برای فعالیت‌های خود مشروعیت کاذب و پنهانی کسب می‌کنند.

۱۰. لایه پنهان دیگری که معمولاً پول‌شویان انتخاب می‌کنند، وارد کردن پول‌های سیاه به بازارهایی نظیر مؤسسات خرید و فروش خودرو (از طریق مشارکت در منابع مالی با افرادی که دارای مجوزهای قانونی و رسمی برای این نوع فعالیت‌ها هستند) می‌باشد که علاوه بر دریافت سودی بالاتر از نرخ سود سپرده‌گذاری در نظام بانکی، می‌توانند کالای مزبور را در نظام بازار آزاد به قیمت‌های روز به فروش برسانند و بدین ترتیب علاوه بر تحصیل سود ناشی از این فرایند کوتاه‌مدت، سبب مشروعیت بخشیدن به منشأ مالکیت پول‌های سیاه خود نیز می‌شوند.

۱۱. سرمایه‌گذاری برای تأسیس شرکت‌هایی که به فروش اقساطی کالاهایی (نظیر خودرو) بدون هیچ‌گونه پیش‌پرداخت اقدام می‌کنند، می‌تواند زمینه انگیزشی مناسبی برای پول‌شویان باشد. در این گونه موارد، پول‌شویان فقط در تأمین منابع مالی مشارکت می‌کنند، بدون آن که نام ثبت شده‌ای از آنان در میان باشد.

۱۲. با وجود آن که یکی از ویژگی‌های پولشویی بُعد فرامیختگی آن است، مع الوصف فرایند پولشویی در کشورهای پیشرفته صنعتی (علی‌رغم نشو و نمایی که در این گونه کشورها می‌تواند داشته باشد) به دلیل سازوکارهای نظارتی و کنترلی و تمهیدات قانونی آن‌ها و نیز درجه بالای خطرپذیری آن، کاری دشوار است و به همین دلیل حجم عظیم این نقدینگی معمولاً به طرف تاریکخانه‌های اقتصادی موجود در نظام کشورهای در حال توسعه سرازیر می‌شوند.

کشورهای توسعه‌نیافته به دلیل چیرگی فقر بر سیمای اقتصادی کشور خود احتمالاً چندان توجهی به این گونه مقوله‌ها و نظریه‌های پولشویی ندارند. افکار آن‌ها صرفاً گرد تأمین منابع مالی برای کاهش تنگناها و فشارهای اقتصادی حاکم بر شرایطی که با آن

روبه‌رو هستند، دور می‌زنند. از این رو این گونه کشورها نیز در زمره تاریکخانه‌های اقتصادی و دالان‌های مخفی پول‌شویان تلقی می‌شوند.

سرنخ پول‌های سیاه باید پنهان شوند و به گونه‌ای مورد شستشو قرار گیرند. کشورهای در حال توسعه که فاقد سازوکارهای شفاف جریان پول و کالا هستند، بهترین دالان گم کردن این سرنخ‌ها هستند؛ ضمن آن که میزان فساد در این کشورها بسیار بالاست (اعم از فساد اقتصادی، فساد اداری، فساد بانکی، فساد اجتماعی و ...). این گونه کشورها به دلیل کمبود منابع مالی داخلی و خارجی اصولاً از ورود این قبیل جریان وجوه که شاید خودشان هم با خوشحالی نام آن را جلب منابع مالی خارجی می‌گذارند، استقبال می‌کنند. از این رو هزینه‌های شستشوی این پول‌ها بسیار کم می‌شود؛ حال آن که این نوع وجوه اصولاً فاقد مصداق و معنای حقیقی سرمایه‌گذاری هستند؛ زیرا هدف پول‌های سیاه فی‌نفسه ارتباطی با ارزشیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری و محاسبه نرخ بازگشت سرمایه و این قبیل مفاهیم ندارد. بدین ترتیب اقتصاد کشورهای در حال توسعه که درصد بالایی از عدم شفافیت‌های اقتصادی را در مجموعه ساختارهای خود تشکیل داده بهترین مأوا را برای پولشویی فراهم کرده است.

۱۳. ایجاد فروشگاه‌های گوناگون نیز یکی از مسیرهای فرایند پولشویی در کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه است؛ برای مثال، بر پایه کشف‌های پلیسی، در ایتالیا پیتزافروشی‌ها و در فرانسه رستوران‌های چینی در چندین شهر، طی فعل و انفعالاتی درآمدهای حاصل از فعالیت قاچاق ارز را شستشو می‌دادند و با استفاده از فرایندهای پیچیده‌ای مجدداً آن‌ها را وارد معاملات ارز می‌کردند و این چرخه تا چند سال ادامه داشت.

۱۴. انتشار اوراق قرضه (یا مشارکت) بی‌نام، اعم از جریان داخلی یا جریان خارجی آن، نیز یکی از گذرگاه‌های مورد اعتماد پول‌شویان برای تغییر شکل حقوقی نحوه کسب پول‌های سیاه خود است.

۱۵. گزارش‌ها و شنیده‌هایی نیز وجود دارد مبنی بر این که دسته‌ای از پول‌شویان که مدعی فرهنگ و اعتبار اجتماعی خاص هستند خرید حق مالکیت معنوی را برای پولشویی انتخاب کرده‌اند و عمدتاً از طریق خرید حق مالکیت معنوی (آثار هنری، آثار نویسندگان،

آثار سینمایی، نرم افزارهای رایانه‌ای، اکتشاف و اختراعات و ابداعات و نظایر آن‌ها) فعالیت‌های پولشویی خود را ساماندهی می‌کنند.

۱۶. پول‌شویان از روش‌های به شدت متفاوت و در عین حال ناباورانه‌ای برای انجام فعالیت‌های خود بهره برداری می‌کنند. برحسب شرایط هر کشور، پولشویی ویژگی‌های خاصی می‌یابد؛ مثلاً در برخی از کشورهای قاره افریقا پول‌شویان از طریق خرید و جابه‌جایی و فروش حتی حیوانات کمیاب یا ماهی‌های بسیار نادر گرانقیمت و تولید و تکثیر حیواناتی مثل مار و سوسمار (استفاده از پوست آن برای صادرات و تولید کیف و کفش و لباس) تجارت می‌کنند؛ ضمن آن که هدف اصلی آنان اصولاً مشروعیت بخشیدن به وجوه و دارایی‌های نامشروع است، نه سرمایه‌گذاری به مفهوم خاص آن.

۳-۱. ویژگی‌ها و طبیعت خاص پول‌های سیاه

۱. از حجم پولی که دارای منشأ غیرقانونی است و مورد پولشویی قرار می‌گیرد، اطلاعات دقیقی وجود ندارد و طبعاً هم نباید وجود داشته باشد، چرا که ماهیت جریان وجوه پول‌های سیاه در بخش غیرمشکل با جریان وجوه پول‌های قانونی در بخش متشکل اقتصاد به کلی متفاوت است.

برخی از ارقامی هم که به عنوان حجم پول مورد شستشو در کل جهان ارائه می‌شوند، مبتنی بر نوعی حدس و قضاوت‌های کارشناسی هستند، نه شناخت دقیق جریان وجوه پول و کالاهای غیرقانونی؛ برای مثال صندوق بین‌المللی پول معتقد است با فرض آن که ۲ تا ۵ درصد تولید ناخالص داخلی جهان، وجوهی باشند که در جریان پولشویی قرار می‌گیرند، بدین ترتیب می‌توان گفت که حجم این پول‌ها بین ۶۰۰ تا ۱۴۰۰ میلیارد دلار را شامل می‌شود.

۲. پولشویی معمولاً در قالب یک شخص حقیقی یا عملیات فردی و انفرادی صورت نمی‌گیرد. حجم عظیم منابع مالی که در جریان مشروعیت بخشیدن به پول‌های با منشأ غیرقانونی به جریان می‌افتد، به گونه‌ای است که یک فرد به تنهایی قادر به انجام دادن آن نیست. به همین دلیل پولشویی عملی کاملاً سازمان‌یافته، شبکه‌ای، تشکیلاتی و زنجیره‌ای است و به اصطلاح، همدستان زیادی می‌خواهد. پول‌شویان در مواردی دارای مشاوران و

وکلای بسیار خبره در زمینه‌های مالی، بازارهای پول و سرمایه، بازارهای کالا و خدمات، نهادهای مالی، بانکی و غیربانکی، بازار بورس و سایر ابعاد حقوقی و اقتصادی هستند.

۳. جریان وجوه مالی پول‌شویان از روانی و انعطاف خاصی برخوردار است و می‌تواند به سرعت به شکل‌های مختلفی از دارایی‌ها تغییر هویت دهد؛ می‌توان گفت پول‌های سیاه اصولاً وجوه بی‌ثباتی هستند که هدف دارندگان آن‌ها منحصرأ پاک کردن نحوه تحصیل آن‌هاست.

۴. پول‌های سیاه دارای ویژگی و طبیعت خزندگی در لایه‌های پنهان، غیرمشکل و زیرزمینی اقتصادی هستند.

۵. پول‌های سیاه ملیت ندارند. به دلیل دارا بودن خصوصیات روانی و بی‌ثباتی، به سرعت تغییر شکل (اعم از پول و کالا) می‌دهند و روانه کشورهای دیگر می‌شوند و به همین دلیل فراملیتی هستند.

۲. آثار مخرب و منفی ناشی از فرایندهای پولشویی

۲-۱. چرا پولشویی یک فعل مجرمانه تلقی می‌شود؟

پیامدها و عوارض منفی پولشویی چیست؟ چرا باید با عملیات پولشویی مبارزه کرد؟ چرا کشورهای جهان به این توافق می‌رسند که اقدامات پیشگیری، ردگیری، کنترل و کشف آن را نه تنها از بعد داخلی، بلکه از ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری کنند؟

تصور می‌شود کشورهای مسلمان قاعده‌تاً باید انگیزه بیش‌تری برای مبارزه با پولشویی داشته باشند؛ زیرا که در ایدئولوژی آنان اموال و دارایی‌های حرام نباید با اموال و دارایی‌های حلال و ناشی از فعالیت‌های سالم اقتصادی آمیخته شود. ضمن آن که صرف‌نظر از وجه غیرشرعی ممزوج شدن دارایی‌های حلال و حرام، عمل پولشویی بازتاب‌های منفی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز برای کشورهایی که خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا

ناآگاهانه به این معضل دچار شده‌اند، در پی دارد. در ذیل، به برخی از آثار زیانبار و عوارض منفی ناشی از فرایندهای پولشویی اشاره می‌شود:^۱

۱. فرایندهای پولشویی که از ویژگی‌هایی نظیر «مقیاس بزرگ» و «سازمان‌یافتگی» برخوردارند، روند طبیعی و عادی بازارها و در نتیجه، سازوکارهای عرضه و تقاضا را بر هم می‌زنند. ورود این وجوه و دارایی‌ها به بازار کالاها و خدمات، در حقیقت، نوعی دستکاری در عرضه و تقاضا در بخش‌های مختلف است. این فعالیت‌ها بازار را دچار اختلال و علامت‌ها و پیام‌های کاذب و غیرواقعی به بازار القا می‌کنند.

۲. پولشویی‌های وارداتی (وجوه نامشروعی که منشأ جغرافیایی آن‌ها خارج از کشور است و برای فعل و انفعال‌های پولشویی، وارد کشور می‌شوند) سبب تغییر در حجم نقدینگی می‌شود و موجبات انبساط آن را فراهم می‌سازد. با توجه به این که بسیار بعید است پولشویی در سرمایه‌گذاری‌های مولد و تولیدی به کار گرفته شود، از این‌رو سرعت بالاتر رشد نقدینگی، بستر و ظرفیت لازم برای فشارهای تورمی را به آسانی فراهم می‌سازد و موجب افزایش نرخ تورم در این گونه کشورها می‌شود.

۳. بازتاب‌های پولشویی، اصول و مبانی «تخصیص منابع» را در عرصه‌های اقتصادی دچار اختلال می‌سازند؛ زیرا جهت‌گیری وجوه و دارایی‌های پول‌شویان، بر پایه تقاضای بازار نیست، بلکه در تعقیب اهداف و منافع است که آن‌ها دنبال می‌کنند. پول‌شویان قاعدتاً در سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز در یک اقتصاد سالم مشارکت نمی‌کنند؛ زیرا آن دسته از فعالیت‌هایی را گزینش می‌کنند که طبیعت و ماهیت آن‌ها، از «روانی» برخوردار باشد و بتوانند به سهولت سرمایه‌ها، دارایی‌ها و وجوه خود را از زمینه‌ای به زمینه دیگر منتقل و جابه‌جا کنند. بدین ترتیب در هر بخشی که وارد می‌شوند، سازوکار تعادلی آن بخش را بر هم می‌زنند و در مجموع نوعی بی‌ثباتی در عرصه‌های اقتصادی کشور ایجاد می‌کنند.

۴. فرایند پولشویی، موجبات اختلال در اصول رقابتی را (که یکی از اصول تردیدناپذیر در کارآمدی و بازدهی اقتصادی است) فراهم می‌سازد. شرکت‌هایی که به این گونه

1. Peter Quirk: Macroeconomic Implications of Money Laundering, (1996), IMF.

دارایی‌های غیرقانونی دسترسی دارند، می‌توانند قیمت کالا و خدمات را پایین آورده، در نتیجه نسبت به شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که ناگزیرند سرمایه‌های مورد نیاز خود را با قیمت بالا از بازارهای مالی رسمی و غیررسمی تهیه کنند، از توانایی رقابتی بیش‌تری برخوردار خواهند شد. بدین ترتیب عرصه برای بنگاه‌های قانونی تنگ شده و یکی از اصول حاکم بر بازار آزاد (که همان اصل رقابت است) دچار اختلال می‌شود.

۵. تحرکات مربوط به عملیات پولشویی، حرکت بازارهای مالی را از روند حقیقی و واقعی خود خارج می‌سازد. پول‌شویان با وارد کردن مبالغ هنگفت دارایی‌های خود به بازارهای مالی می‌توانند موجی از تقاضای کاذب برای سهام برخی از بنگاه‌ها را فراهم کنند و در نتیجه، نوسانات شدیدی در تعادل عرضه و تقاضا برای بازارهای مالی به وجود آورند. در این نوع بازارها، برخی از سهامداران بنا به دلایل واهی (و نه ناشی از عملکرد بنگاه‌ها) ناگهان با تنزل شدید ارزش سهام مواجه می‌شوند و برعکس برخی دیگر در قبال همان آثار واهی، با صعود شدید ارزش سهام روبه‌رو می‌شوند. طبیعی است که بعد از ایجاد این نوسانات، وجوه و سرمایه‌های پول‌شو (که از خصلت روانی و خزندگی برخوردار است) ناگهان از بخش بازارهای مالی خارج می‌شوند.

۶. برخی از فرایندهای پولشویی به دلیل ارائه علائم کاذب به بازارها (اعم از بازار کالاها و خدمات، بازار پول، بازار سرمایه و نظایر آن‌ها) موجبات تغییر در نرخ‌های بهره و ارز را فراهم می‌آورند و پول‌شویان پس از تحصیل منافع خود، به لحاظ طبیعت ویژه روان بودن، از این گونه بازارها خارج می‌شوند؛ در حالی آن‌که آثار تخریبی خود را در این بخش به جا گذاشته‌اند.

۷. وجوه و سرمایه‌ها و دارایی‌هایی که از منشأ فعالیت‌های غیرقانونی و نامشروع به وجود آمده‌اند، گرایش زیادی برای بازگشت به فعالیت‌های اولیه پیدایش خود دارند. به همین دلیل، این وجوه و دارایی‌ها پس از مدتی سیر و سفر در بازارهای گوناگون (رسمی و غیررسمی، متشکل و غیرمتشکل) که با هدف پولشویی صورت می‌گیرد، بر اساس همان گرایش برای بازگشت به فعالیت‌های اولیه (و همچنین خصلت روان بودن) مجدداً صرف

تأمین منابع مالی انواع فعالیت‌های غیرقانونی قبلی یا اولیه خود می‌شوند. بدین ترتیب همچنان بر قلمرو فساد و آلودگی اقتصاد کشور می‌افزایند. به طور طبیعی، گسترده شدن حوزه‌های فساد و آلودگی، هزینه‌های کشف، کنترل و مبارزه با فساد را از ابعاد قضایی، انتظامی و کیفری برای دولت افزایش می‌دهد.

۸. وجوه، دارایی‌ها و سرمایه‌هایی که منشأ تحصیل آن‌ها فی‌نفسه غیرقانونی است، غالباً در بخش‌های موسوم به اقتصاد زیرزمینی به کار گرفته می‌شوند و این وجوه حتی اگر در بخش‌های رسمی و متشکل هم به کار گرفته شوند به دلیل برخورداری از ویژگی روان بودن و تغییر شکل سریع، شناسایی‌شان به عنوان منابع مالیاتی بسیار دشوار است و بدین ترتیب اخذ مالیات غیرممکن می‌شود. بنابراین، حجم عظیمی از درآمد کشور در شرایطی در گردش است که دولت قادر به دریافت مالیات از این سرمایه‌ها، دارایی‌ها و درآمدها نیست.

۹. پولشویی، آثار مخرب دیگری هم دارد. این فرایند منجر به افزایش هزینه‌های دولتی نظیر هزینه‌های مربوط به ایجاد فضای امن برای مرزهای کشور می‌شود (به‌خصوص کشورهایی که وسیع و پهناور و از مرزهای بسیار طولانی با همسایگان خود برخوردارند). همچنین هزینه‌های دولتی مربوط به مبارزه با قاچاق کالا، هزینه‌های مربوط به مبارزه با آثار زیانبار و تخریبی مواد مخدر، هزینه‌های دولتی مربوط به بازپروری و درمان معتادان، هزینه‌های دولتی مربوط به محاکم و دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به این جرائم، هزینه‌های بانکی و اداری مقابله با پولشویی، هزینه‌های مربوط به جنبه‌های کیفری و زندان‌ها و ...، از دیگر هزینه‌های دولتی در این زمینه محسوب می‌شوند. هزینه‌های دولتی در زمینه مبارزه با پولشویی به همین جا ختم نمی‌شود، چراکه هزینه‌های مربوط به تصمیمات جبرانی را هم نباید از نظر دور داشت؛ زیرا همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، پولشویی موجبات برهم خوردن تعادل بازارها را در زمینه قیمت‌ها، نرخ تورم، نرخ بهره و ایجاد تغییرات غیرموجه در عرضه و تقاضای پول، بازارهای مالی و... فراهم می‌سازد. در این حالت، تصمیمات جبرانی دولت در زمینه قبول اعطای مابه‌التفاوت نرخ سود تسهیلات بانکی، اعطای یارانه‌ها، قیمت‌های تضمینی، هزینه‌های مربوط به اشتغال (به لحاظ برهم خوردن رقابت بین

مؤسسات دارای منابع مالی قانونی و مؤسسات برخوردار از تأمین منابع مالی ناشی از پولشویی و در نتیجه، رانده شدن مؤسسات اولیه از عرصه تولید)، افزایش بیمه‌های بیکاری و ... نیز در زمره آن دسته از تصمیمات جبرانی قرار دارند که به حجم هزینه‌های دولتی در فرایند پولشویی می‌افزایند.

۱۰. ظهور و بروز پیامدهای تخریبی و عوارض منفی ناشی از فرایند پولشویی که در بالا توضیح داده شد، سبب می‌شود تا سیاست‌های اقتصادی مالی، پولی، بودجه‌ای، تجاری و اجتماعی دولت خنثی گردد یا اصولاً آثار کارآمدی سیاست‌های مزبور کاهش و اثربخشی آن‌ها تنزل یابد. به همین دلیل مبارزه با پولشویی، یک تصمیم حیاتی در اقتصاد و مدیریت دولتی کشورها تلقی می‌شود.

۱۱. حتی اگر این فرض ناصحیح هم وجود داشته باشد که پولشویی هیچ‌گونه آثار تخریبی در اقتصاد ندارد (که به هیچ‌وجه این‌طور نیست)، باید بپذیریم که مبارزه با فعالیت‌ها و اقدامات مجرمانه، قطعاً در زمره وظایف انکارناپذیر دولت‌هاست؛ چرا که استقرار امنیت قضایی، انتظامی و نظم حقوقی در زمره وظایف حاکمیتی دولت محسوب می‌شود.

۲-۲. پدیده پولشویی، چالشی در برابر جامعه جهانی

پولشویی از آن دسته جرائمی است که ماهیت جهانی دارد. پس طبیعی است که اگر پولشویی، آفتی جهانی است، مبارزه با آن هم جهانی و نیازمند عزم همه دولت‌ها است. اسناد و مدارک موجود حکایت از آن دارد که عزم بین‌المللی برای مبارزه با پولشویی از بیست و دو سال پیش (سال ۱۹۸۰) شروع شده است. بیش‌تر کتاب‌هایی که درباره پولشویی منتشر شده‌اند، به این اسناد و مدارک بین‌المللی که گوشه‌ای از همکاری‌های جهانی را برای مبارزه یا مقابله با پدیده جهانی پولشویی نشان می‌دهند، اشاره کرده‌اند. در ذیل، به برخی از این اسناد اشاره می‌شود:

الف) اعلامیه کمیته بال^۱

- (ب) گروه کاری اقدام مالی برای مقابله با پولشویی؛^۱
 (ج) پیمان نامه شورای اروپا؛^۲
 (د) دستورالعمل جامعه اروپا؛^۳
 (ح) عهدنامه مقابله با جرم سازمان یافته جهانی؛^۴
 (و) تصویب نامه سازمان بین المللی بورس های اوراق بهادار؛^۵
 (ز) پیمان نامه وین.^۶

البته این عهدنامه ها و پیمان نامه ها برای مبارزه جهانی با پولشویی کافی نیستند؛ بلکه هر یک از کشورها می باید براساس قوانین داخلی (که به تصویب مراجع ذی صلاح آن ها می رسد)، پولشویی را به صورت قانونی جرم بشناسند و مجرمان را براساس عمل، نیت و هدف، مستحق تشدید مجازات های مربوط قلمداد کنند و جرائمی را که منشأ پولشویی قرار می گیرند، به صراحت در قوانین ذی ربط احصا کنند. سرانجام در این قوانین باید تمهیدات لازم مبنی بر همکاری های بین المللی درباره شناسایی، ردگیری و نقل و انتقال های مشکوک فراهم شود.

طبیعی است که انجام دادن وظایف فوق، مستلزم تشکیل سازمان و سازماندهی خاصی است که بتواند از اختیارات و مسئولیت های لازم برای ایفای این وظیفه خاص برخوردار باشد. از آنچه گفته شد، می توان نتیجه گرفت که ساختار کلی یک قانون مناسب برای منع پولشویی باید حول محورهای زیر طراحی گردد:

۱. ارائه تعریف جامعی از پولشویی و حدود و ثغور آن؛

1. The Report of the Financial Action Task Force on Money Laundering (FATF), (1990).
2. The Council of Europe Convention (1990).
3. E.C. Directive on Prevention of the Use of the Financial System for the Purpose of the Money Laundering (1991).
4. Convention of International Efforts against World Organized Crime (2000).
5. Money Laundering and International Efforts to Fight It: International Stock Markets Organization.
6. Countering Money Laundering, Vienna Convention (1997).

۲. تعیین و احصای طیف وسیعی از افعال مجرمانه که عواید حاصل از آن‌ها در فرایند پولشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به اصطلاح جرائم منشأ نامیده می‌شوند؛
 ۳. مجرم بودن هر فرد حقیقی یا حقوقی که براساس سه رکن عمل، نیت، و هدف (و با علم به این که عواید مزبور از جرم حاصل شده است) پولشویی را انجام دهد؛
 ۴. تعیین و احصای کلیه مؤسسات، نهادها و بنگاه‌ها (اعم از دولتی یا غیردولتی) و سازمان‌هایی که مشمول قانون منع پولشویی قرار می‌گیرند؛
 ۵. تعیین وظایف و تکالیف مؤسسات و نهادهای فوق؛
 ۶. تعیین مجازات‌های قانونی مناسب (و غالباً تشدید مجازات)؛
 ۷. تعیین نهاد یا نهادها و مراجع ذی صلاح برای مقابله با پولشویی.
- یکی از محورهای مهم طراحی و تدوین قوانین مقابله با پولشویی، جایگاه تشکیلاتی نهاد مقابله با پولشویی است که باید مشخص شود در کدام بخش از تشکیلات کلان دولت باید استقرار یابد. در این خصوص، مثال‌های ذیل قابل تأمل هستند:
۱. در تایلند، هیأت عالی مبارزه با پولشویی و اداره مبارزه با پولشویی زیر نظر مستقیم نخست وزیر قرار دارند؛^۱
 ۲. در ترکیه، هیأت تحقیقات جرائم مالی و هیأت هماهنگ کننده مبارزه با جرائم مالی زیر نظر وزیر دارایی هستند؛^۲
 ۳. در فیلیپین، شورای مبارزه با پولشویی زیر نظر بانک مرکزی است؛^۳
 ۴. در کانادا، مرکز معاملات مالی زیر نظر یکی از اعضای شورای سلطنتی کانادا است؛^۴
 ۵. در کره، نهاد اطلاعات مالی زیر نظر وزیر اقتصاد و دارایی است؛^۵

۱. قانون مبارزه با پولشویی، تایلند.

۲. قانون مبارزه با پولشویی، ترکیه.

۳. قانون مبارزه با پولشویی، فیلیپین.

۴. مرکز مطالعات مالی و تجزیه و تحلیل گزارش‌های مالی، کانادا.

۵. قانون گزارش اقدامات مالی، کره.

یکی دیگر از محورهای کلیدی طراحی و تدوین قوانین مبارزه با پولشویی باید براساس دو شناخت اساسی به شرح ذیل استوار باشد:

الف) شناخت دقیق هویت مشتری و تحصیل سطح مناسبی از اطلاعات مورد نیاز درباره وی.

ب) شناخت (ردگیری) نقل و انتقال وجوه و دارایی‌ها و معاملات. طبیعی است که براساس این دو نوع شناخت، فرایندهای گزارش‌گیری و گزارش‌دهی نیز به جریان می‌افتد. بسیاری از کشورها سقف معینی برای نقل و انتقال و انجام دادن معاملات تعیین کرده‌اند.

۲-۳. محورهایی که قوانین منع پولشویی را از کارآمدی و روزآمدی ساقط می‌کنند

نباید دچار این توهم شد که تصویب قانونی به نام مقابله با پولشویی برای همیشه کافی است؛ زیرا سه محور اساسی زیر، قوانین پولشویی را از کارآمدی لازم ساقط می‌کنند و این امر مستلزم آن است که قوانین ضد پولشویی و همراه با تحولات جدید، دائماً بازسازی شوند:

۱. محور اول، موضوع جهانی شدن بازار سرمایه و پذیرش آن توسط بسیاری از کشورهای دنیاست که به نظر آن‌ها لزومی ندارد سرمایه ملیت داشته باشد؛ به عبارت دیگر، سرمایه قاعداً دارای ملیت هست، اما این‌گونه کشورها با ملیت سرمایه، مشکلی ندارند. همین موضوع به پیچیدگی فرایندهای پولشویی اضافه می‌کند.

۲. محور دوم، تغییر الگوی رفتاری مجرمان است که خویشتن را از حالت انفرادی خارج کرده‌اند. رفتارهای گروهی در قالب سازمان، تشکیلات و نهاد (اعم از سازمان‌های پنهان و زیرزمینی یا بنگاه‌ها و شرکت‌های صوری آشکار) ضمن آن‌که به زعم پول‌شویان به آنان اعتبار و منزلت می‌بخشد، در عین حال این رفتارهای سازمان‌یافته و تشکیلاتی، اقتدار و بازدهی عملیاتی بسیار بالاتری برای آنان به همراه دارد. از این‌رو پول‌شویان و مجرمان، الگوهای رفتاری خود را از حالت‌های فردی و انفرادی به سازمانی و تشکیلاتی تغییر جهت داده‌اند.

۳. محور سوم، تغییرات سریعی است که در تحولات و نوآوری‌های علمی جهان حادث می‌شود. امروزه تحولات شگفت‌انگیزی در مدیریت علمی سازمان‌ها، بنگاه‌ها و نهادهای نوین (اعم از دولتی و غیردولتی) کشورهای پیشرفته جهان به وجود آمده است. تمام این تحولات مرهون فنونی است که از آن‌ها به طور کلی تحت عنوان «مهندسی مجدد سیستم‌ها» نام برده می‌شود. مهندسی مجدد سیستم‌ها در دو عرصه زیر دائماً در حال تکاپو و نوآوری است:

الف) در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات

دستاوردهای بزرگ فناوری اطلاعات و ارتباطات سبب گردیده تا عصر شبکه‌های درون‌سازمانی به عصر شبکه‌های بین‌سازمانی تکامل یابد و بدون نگرانی از محدودیت‌های مرزی، مکانی، زمانی و جغرافیایی، زمینه تبادل تصمیم‌گیری‌های مشترک بین تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان فراهم شود. به همین دلیل، دستاوردهای خیره‌کننده‌ای که در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی فراهم شده است و هم‌اینک نهادهای مالی بیش‌تر کشورهای توسعه‌یافته از آن بهره‌مند هستند، به پیچیدگی راز و رمزهای دادوستدها و اهداف پنهان آن‌ها کمک می‌کنند. پول‌شویان نیز این شیوه‌های نوین را به کار می‌گیرند.

ب) در عرصه فناوری فرایندها

مهندسی مجدد سیستم‌ها در عرصه فناوری فرایندها در تکاپوی طرح‌ریزی هر چه جدیدتری برای فرایندهاست تا پیوسته چهار نتیجه را با وضعیت مطلوب‌تری نسبت به وضعیت قبلی کسب کند:

۱. سرعت انجام کار بالاتر؛
۲. کیفیت انجام کار بالاتر؛
۳. صرف هزینه کم‌تر؛
۴. سرانجام، استقرار تفکر هرچه بیش‌تر «مشری‌مداری».

بنابراین، مجرمان شبکه‌های سازمان‌یافته امروزی از بهترین متخصصان، مشاوران و وکلای در تشکیلات خود بهره‌مندند و از فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و نیز شیوه‌های نوین تجارت الکترونیکی برای اجرای مقاصد خود سود می‌جویند و اینک نقل و انتقال‌های فیزیکی به‌ندرت صورت می‌پذیرد.

بنابراین، بحث این است که با تغییر روش‌های انجام کار و به کارگیری فنون مهندسی مجدد سیستم‌ها که در بنگاه‌ها و نهادها، به ویژه نهادهای مالی غالب کشورهای جهان، به کار گرفته می‌شود، پول‌شویان نیز با بهره‌گیری از مزایای شیوه‌های علمی جدید، روش‌های نوینی را هر روز برای اجرای مقاصد و اهداف خود مورد استفاده قرار می‌دهند.

بدین ترتیب کاملاً روشن است که فقط با تصویب قانون پولشویی نباید تصور کرد همه مشکلات این قلمرو حل خواهد شد؛ زیرا هر روز شکاف بین قانون مبارزه با پولشویی از یک طرف و پیشرفت‌ها و تحولات علمی و مهندسی مجدد سیستم‌ها از طرف دیگر وسیع‌تر می‌شود. در نتیجه، سازوکار مندرج در ساختار قانون مبارزه با پولشویی، قادر به حل ترفندهای پول‌شویان (به دلیل بهره‌گیری از شیوه‌های نوین و پیوسته در حال تغییر) نخواهند بود. پس این یک ضرورت انکارناپذیر است که قوانین منع پولشویی نیز دائماً باید سازوکارها و ساختارهای مبارزه‌جویانه خود را همگام با تحولات نوین فرایندها بازآرایی و بازکاوی کنند تا اثربخشی خود را از دست ندهند.

علی‌رغم آن‌که تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه، قوانین مصوبی در زمینه پولشویی دارند، مع‌الوصف به دلایل متعددی همچنان درگیر معضلات و مشکلات پولشویی هستند:

۱. اصلی‌ترین دلیل، نیاز شدید آن‌ها به منابعی تحت عنوان استقراض یا سرمایه‌گذاری‌های خارجی است که این وام‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در قالب بنگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ به ظاهر تجاری و تولیدی محقق می‌شوند و معمولاً این کشورها تأکید شدیدی برای شناخت هویت حقیقی این منابع مالی ندارند.

۲. دلیل دیگر، فقدان شفافیت اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. نبود شفافیت اقتصادی به درجه‌ای است که معمولاً این گونه کشورها را همان‌طور که اشاره شد، تاریکخانه‌های اقتصادی نام نهاده‌اند. بسیاری از فعالان و مجریان و متولیان اقتصادی و سیاسی این گونه کشورها از همین عدم شفافیت، بهره‌برداری بسیار زیادی می‌کنند و آگاهانه یا ناآگاهانه در فرایند پولشویی و به صورت تشکیلاتی فعال هستند. نحوه عملکردشان به گونه‌ای است که نامی از آنان در این فرایند به میان نمی‌آید.

۳. ساختار تشکیلاتی این گونه کشورها هم به گونه‌ای است که بستر بسیار مساعدی را برای پولشویی فراهم می‌کند. وجود نهادهای موازی، متداخل و بسیار متفاوت، از مشخصه‌های این گونه کشورهای در حال توسعه است. در این خصوص، از نهادها و بنگاه‌های دولتی گرفته تا نهادها و بنگاه‌هایی که به ظاهر غیردولتی جلوه می‌کنند (زیرا از امکانات، تسهیلات، معافیت‌ها و مجوزهای دولتی سود می‌برند، اما در عملکردهای تجاری، اداری، اقتصادی و کسب منافع، خود را بنگاه‌های غیردولتی قلمداد می‌کنند)، از نهادهای مالی رسمی تا نهادهای مالی غیررسمی و از نهادهای قدرت رسمی تا گروه‌های ذی‌نفوذ غیررسمی، می‌توان نام برد. بنابراین، نبود شخصیت‌های حقوقی صریح و مشخص و غیرموازی در ساختار تشکیلاتی، امکان پولشویی را از طریق اقدامات غیرقانونی بسیار افزایش می‌دهد.

۴. گروه‌های معارض سیاسی را نیز نباید از نظر دور داشت؛ از مشخصه‌های سیاسی این گونه کشورهای در حال رشد نیاز معارضان سیاسی به کسب منابع مالی برای ادامه فعالیت‌های اقتصادی است تا از سکوی قدرت اقتصادی بتوانند به حیات سیاسی خود ادامه دهند و اهداف مورد نظر سازمان و تشکیلات خود را محقق سازند. از این رو خودبه‌خود زمینه مناسبی برای امکان فعالیت‌های پول‌شویان فراهم می‌آید.

بنابراین، نظیر هر قانون دیگری که تصور موفقیت صددرصد آن غیرممکن است، نباید گمان کرد که قوانین و مقررات مربوط به مبارزه با پولشویی، حلال معضلات مربوط به آن است و همه مسائل ناشی از آن برای همیشه خاتمه یافته تلقی می‌شود. با وجود این، تردیدی

نیست که قوانین مقابله‌کننده با پولشویی باید تصویب و سپس مستقر و اجرا شوند؛ زیرا ابعاد مثبت و اثربخش این نوع قوانین بسیار فراتر از برخی عوارض منفی یا مشکلات اجرایی آن‌هاست. برخی از ابعاد ضرورت این مقابله در بحث جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تشریح شده‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. ضرورت تصویب قانون مبارزه با پولشویی، به عنوان یکی از ابزارهای امنیت اقتصادی

«استقرار امنیت»، «ایجاد نظم حقوقی» و «قانونمند کردن روابط اقتصادی، اجتماعی و مدنی»، از جمله ارکان زیربنایی و تردیدناپذیر اعمال حاکمیت دولت به شمار می‌روند. این وظیفه در زمره آن دسته از تکالیفی است که هیچ دولتی نمی‌تواند از اجرای آن سلب مسئولیت کند و در عین حال از آن نوع وظایفی هم نیست که دولت بتواند اجرای آن را به بخش‌های غیردولتی بسپارد.

مقوله امنیت، نه تنها یکی از پیش‌نیازهای اصلی حکمرانی مقتدر محسوب می‌گردد، بلکه از آن به عنوان یکی از پیش‌شرط‌های زیربنایی «توسعه» نیز نام برده می‌شود. نهادها و ابزارهای تحکیم‌کننده حقوق و آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی، فی‌نفسه از ابزارهای نرم‌افزاری توسعه تلقی می‌شوند. بی‌تردید سطح برخورداری از امنیت هم یکی از شاخص‌های سنجش «کیفیت زندگی» است.

مفاهیم مختلف امنیت را می‌توان از ابعاد امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت انتظامی، امنیت قضایی و سرانجام امنیت اقتصادی مورد بازکاوی قرار داد. هدف یک حکمرانی خوب از استقرار امنیت اقتصادی (که در این مقاله، این بعد امنیت مورد نظر است)، ایجاد مناسبات قانونمند و سالم در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی است؛ زیرا مناسبات قانونمند، نهادینه و سالم اقتصادی، سبب ایجاد اعتماد، آرامش و اطمینان در فضای زندگی می‌شوند و به کمک سایر عوامل موجبات رشد خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها را در عرصه‌های مختلف فراهم می‌کنند. پس می‌توان گفت استقرار ابزارهای امنیت اقتصادی، در

حقیقت، تضمین‌کننده و تحکیم‌کننده یک سلسله شرايطی است که فضای زندگی و کسب و کار در عرصه فعالیت‌های اقتصادی را از جو اعتماد، اطمینان و آرامش برخوردار می‌سازد. مبارزه قانونمند با جرم پولشویی، یکی از ابزارهای استقرار امنیت اقتصادی است که پس از سال‌ها خلأ آن در عرصه اقتصاد ایران، دولت لایحه مربوط به آن را پس از مدتی طولانی و بحث‌ها و کنکاش‌های فراوان، سرانجام به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرده است. با این وجود، تصویب قوانین و مقررات مربوط به مقابله با پولشویی و اتخاذ سازوکارها، ساختارها، فرایندها، مجازات‌ها و نحوه تعامل‌ها و همگرایی‌های بین‌المللی برای چنین مبارزه‌ای و نیز اجرای مقتدرانه این نوع قوانین و مقررات، به ویژه ایجاد نهادهای نظارتی و پیگیری، یک ضرورت انکارناپذیر ملی و فراملی است. قطعاً این اقدامات سبب می‌شود تا گستره و زاویه عمل مجرمان پولشویی که جرمی مضاعف یا متعدد را انجام داده‌اند (ارتکاب جرم منشأ، کسب عواید نامشروع و غیرقانونی و سرانجام ورود به فرایند پولشویی و احتمالاً ادامه این چرخه برای دفعات بیش از یک بار) تنگ‌تر شود. هر چه درجه شفافیت اقتصادی کشور و درجه عدالت قضایی بیش‌تر شود و همه پول‌شویان در هر سطح و مقام و لباس در برابر قانون مساوی باشند، میدان عمل مجرمان تنگ‌تر می‌شود و خروج از فهرست کشورهای موسوم به تاریکخانه‌های اقتصادی سریع‌تر صورت می‌گیرد.

۲. نگرانی‌های ناشی از رکود سرمایه‌ها

نباید تصور کرد که قانون مبارزه با پولشویی، کاملاً عاری از هرگونه عوارض منفی است. بلکه این قانون نیز همانند قوانین دیگر در کنار نکات حساس و کاملاً ضروری برای سالم‌سازی جریان وجوه و کالا، در بطن خود، عوارض خاصی را نیز به دنبال دارد. یکی از این عوارض خاص اگر نگوئیم فرار سرمایه است، اختلال در جریان سرمایه و کندی آن (حتی در درون نظام بانکی) می‌باشد. فرض کنید وجوه معتابه‌ی به حساب بانکی افراد وارد شود. اگر متصدیان بانک به هر دلیلی (از جمله توهم و ترس ناشی از مجازات کمک به تسهیل پولشویی) با ابلاغ این قانون، بنیان کار خود را بر مبنای شک و تردید و مشکوک بودن قرار دهند، فعالیت‌های اقتصادی این افراد با وقفه و محدودیت‌های زیادی روبه‌رو

می‌شود. فرایندهای اطلاعات‌دهی و اطلاعات‌گیری، اعلام به مراجع ذی‌ربط و مطلع کردن دستگاه‌های اجرائی مربوط و مراجع قضایی و همچنین زمان مورد نیاز برای طی تشریفات قضایی (تشکیل پرونده، تعیین وقت، تفهیم اتهام، جمع‌آوری مدارک، رسیدگی در دادگاه، صدور حکم دادگاه بدوی، تقاضای رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر، رسیدگی در دادگاه ثانوی، صدور حکم، ابلاغ احکام قضایی و...) متضمن فرایندهای مطول اداری، حقوقی و قضایی است که ممکن است بعضاً تا چندین ماه به درازا بکشد. طبیعتاً در طی این مدت، حساب‌های بانکی این قبیل افراد مسدود می‌شود و آنان حق برداشت از سپرده‌های مربوط را نخواهند داشت. با فرض آن که فقط ۱۰ درصد از کل هزاران میلیارد تومان سپرده‌گذاری‌های کلان بانکی (حساب‌های درشت ارقام) مشمول این فرایند مطول قرار گیرند، معنای آن این است که سرمایه‌های مالی معادل میلیاردها تومان نمی‌توانند مورد استفاده و گردش قرار گیرند (تبصره ذیل ماده ۵ لایحه مبارزه با پولشویی^۱). به نظر می‌رسد که برای کاهش این گونه عوارض ناشی از رکود سرمایه (با فرض آن که فرار سرمایه به خارج هم نباشد)، باید تدابیر مقتضی از جمله ایجاد ظرفیت‌های اجرایی مناسب و شایستگی‌های نهادی لازم پیش‌بینی شود.

منابع و مآخذ

1. World Bank, "Anti-money Laundering" August, 2001.
2. International Monetary Fund, "Intensified Fund Involvement in Anti-money Laundering Work and Combating the Financing of Terrorism" (Nov 2001).
3. Peter Quirk: Macroeconomic Implications of Money Laundering, (1996) IMF.
4. International Monetary Fund: "Facts about Money Laundering", Seminar Autumn 1994.

۱. اشخاص مجاز به تشخیص اولیه موارد مشکوک، در صورت برخورد با آنها، مکلفند این موارد را بلافاصله به دستگاه دولتی که وفق ماده (۸) مشخص می‌گردد منعکس نمایند. در صورت تأیید و دستور دستگاه مزبور، خدمات مربوط برابر مقررات آیین‌نامه اجرایی این ماده قطع می‌گردد. اشخاصی که خدمات در مورد آنها قطع گردیده، چنانچه اقدام انجام شده را خلاف قانون و مقررات مربوط بدانند می‌توانند به مرجع قضایی صالح شکایت نمایند.